

The Social Argument in Contemporary Historiography According Qajar to the Case Study of Nazim-Al-Islam Kermani, Book

Golamreza Vafaemehr*

Mahboubeh Sharafi**

Abstract

Nazim-Al Islam kermani has had a prominent role in a historiography of the constitutional era and he is a member of modernist and constitutionalist scholars. Historian's journalistic job is an important factor for him to be closely involved in the process of events leading to the victory of constitutionalism and in his book to report political and social events from the time of Naser al-Din Shah to the 13th of Rajab in 1327 AH. With the historical method based on the descriptive-analytical approach, the present article tries to reflect the social discourse in the historiography of Nazim-Al-Islam Kermani. For the aim of that, the below question is proposed: What are the symbols of social discourse in the historiography of Nazim-Al-Islam? What are the symbols of the historian's social vision had on his historical method in reflecting the event of constitutionalism and the later developments? The results of this research shows that the subject, the centrality of the masses in the historian's historical vision and as a result of his attention to the institution of society and people, finding the roots of events and analyzing them, has made his historiography somewhat different from

* PhD Student of History, Islamic Azad University, Yadgaere-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Tehran, Iran, reza.vafaee@pnu.ac.ir

** Associate Professor of History Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), Sharafi48@yahoo.com

Date received: 2023/01/21, Date of acceptance: 2023/04/18



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۳۱۴ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

historiography before him. In fact, the historian tried to bring his historiography near to the social historiography by reflecting the social life of the society in different biological fields.

Keywords: Histography, Social Discourse, Constitution, Nazim-Al Islam Kermani.

تاریخ اجتماعی در تاریخ‌نگاری عصر قاجار مطالعه موردی: تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام کرمانی

غلامرضا وفايي مهر*

محبوبه شرفی**

چکیده

ناظم‌الاسلام کرمانی نقش عمده‌ای در تاریخ‌نگاری عصر مشروطه داشته و جزو اندیشمندان نوگرا و مشروطه‌خواه است. شغل روزنامه‌نگاری مورخ عامل مهمی است تا وی از نزدیک در روند حوادث منجر به پیروزی مشروطیت قرار گیرد و در کتاب خویش به گزارش رویدادهای سیاسی و اجتماعی از زمان ناصرالدین شاه تا سیزدهی رجب سال ۱۳۲۷ هـ.ق بپردازد. مقاله حاضر با روش تاریخی سعی در بازتاب بینش اجتماعی ناظم‌الاسلام کرمانی در تاریخ‌نگاری وی دارد. برای تحقق این هدف، پرسشی چنین مطرح است: بینش اجتماعی مورخ چه تاثیری در روش تاریخی وی در بازتاب رویداد مشروطیت خواهی و تحولات بعد از آن داشته است؟ نمودهای بینش اجتماعی در تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام کدام است؟ نتایج این پژوهش حاکی از آن است که موضوع، محور بودن توده در بینش تاریخی مورخ و در نتیجه توجه وی به نهاد اجتماع و مردم، تاریخ‌نگاری او را از تاریخ‌نگاری‌های پیش از خود تا حدودی متمایز ساخته است. در حقیقت مورخ تلاش نموده است تا با بازتاب حیات اجتماعی جامعه در حوزه‌های مختلف زیستی، تاریخ‌نگاری خود را به تاریخ‌نگاری اجتماعی نزدیک‌تر سازد.

* دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، تهران، ایران،

reza.vafae@pnu.ac.ir

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

Sharafi48@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹



کلیدواژه‌ها: تاریخ نگاری، تاریخ اجتماعی، مشروطیت، ناظم‌الاسلام کرمانی.

۱. مقدمه

تاریخ‌نگاری معاصر ایران به میانه عصر ناصری پیوسته است، به گونه‌ای که تاریخ‌نگاری این دوره را، مرحله‌ی گذار از تاریخ‌نگاری سنتی به تاریخ‌نگاری مدرن دانسته‌اند. تأسیس دارالفنون، ورود معلمان فرنگی به ایران، ترجمه‌ی کتاب‌ها با موضوع‌های تاریخی، شکل‌گیری وزارت انطباعات به سرپرستی محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چاپ و انتشار کتاب‌های تاریخی به وسیله‌ی انجمن معارف و به ریاست محمد حسین ذکاء‌المک فروغی؛ در عصر مظفرالدین شاه، و از سوی دیگر، تحولات سیاسی روی داد در ایران؛ از جمله شکست‌های ایرانیان از روس‌ها، تأثیر انقلاب روسیه و حوادثی مانند آنها از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تحول تاریخ‌نگاری معاصر کشور است. این سیر به گونه‌ای رقم خورد که مورخان ایرانی در نگارش کتاب‌های خویش در پی هماهنگ‌سازی نوشته‌های تاریخی خود با الگوها و نشانه‌هایی بودند که، از تاریخ‌نویسان غربی فرا می‌گرفتند و در این میان هرچه زمان می‌گذشت، بی‌شک این همگرایی با تاریخ‌نگاری غربی سرعت بیشتری می‌گرفت. از این رو، مورخان ایرانی چندی را بر شمرده‌اند که تحولات سیاسی، از جمله انقلاب مشروطیت، که نقطه عطف آن است و تحولات پیش‌و‌پس از این انقلاب، در نوع و شیوه‌ی نگارش آنان تأثیرگذار بوده است.

تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب "تاریخ بیداری ایرانیان"، تحول یاد شده را به‌خوبی آشکار می‌سازد. یکی از ویژگی‌های این تحول در نوع گفتمان اجتماعی اوست، وی کوشیده است برخلاف تاریخ‌نگاری سنتی ایرانی و تا حدودی با فاصله گرفتن از تاریخ‌نگاری سیاسی، خود را به تاریخ‌نگاری مردمی و اجتماعی نزدیک‌تر کند.

این مقاله تلاش دارد، بینش اجتماعی ناظم‌الاسلام را با استنتاج از کتاب تاریخ بیداری ایرانیان، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بر این پایه آنچه مساله اصلی پژوهش حاضر است تبیین و تحلیل روش‌شناسی مورخ در شاخصه گفتمان اجتماعی است. جهت دست‌یابی به هدف یادشده، مروری مختصر بر مفهوم "تاریخ اجتماعی" از منظر پژوهش حاضر و علل و چگونگی شکل‌گیری آن در تاریخ‌نگاری معاصر خواهیم داشت و سپس به مساله پژوهش (یعنی؛ بینش اجتماعی در تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام) خواهیم پرداخت.

در باب پیشینه پژوهش باید گفت که در زمینه‌ی تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام کرمانی مقاله‌های چندی انتشار یافته، که به صورت گذرا به تاریخ‌نگاری مورخ اشاره کرده‌اند، از جمله

عبارت است از: مقاله‌ی «واکاوی کتاب تاریخ بیداری ایرانیان»، نوشته‌ی هادی بیاتی و علی‌اصغر رجبی؛ که نویسندگان به زندگی نامه و شیوه نگارش مورخ و مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب وی پرداخته‌اند و نیز مقاله‌ی «تاریخ بیداری ایرانیان و اهمیت آن در سیر تاریخ‌نگاری ایران»، به قلم سهیلا نعیمی؛ در این اثر نویسنده کوشیده است با معرفی کتاب یاد شده، منابع مورد استفاده مورخ در کتاب خود و برخی ویژگی‌های اثر وی را به توضیح گذارد و در نهایت مقاله‌ی «بررسی کتاب تاریخ بیداری ایرانیان»، اثر مرتضی تبارکی و محسن پرویش است. در این اثر نویسندگان نیز بیشتر به معرفی کتاب مورخ و نظرات دیگر نویسندگان در باب آن و بررسی شکل و محتوای آن پرداخته‌اند. آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات یاد شده متمایز می‌سازد، کوشش آن در فهم روش شناسی مورخ در شاخصه بینش اجتماعی که منجر به بازتاب بخشی از تاریخ اجتماعی زمانه مورخ، پیرامون رویداد مشروطه است را، در بر می‌گیرد.

۲. شکل‌گیری بینش اجتماعی در تاریخ‌نگاری مورخان

رواج گفتمان اجتماعی در نگارش تاریخ، حاصل تحولات مهمی است که در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری جدید صورت گرفته است. اگر چه در آثار مورخانی مانند هرودت در نگارش راه و رسم زندگی خانوادگی سکاها و یا تاسیتوس به توصیف نهادهای اجتماعی ژرمن پرداخته شده است (هچ، ۱۳۹۰: ۱۶۲) و یا در بین مورخان ایرانی و غیر ایرانی کسانی مانند ابن مسکویه، بیهقی، ابن فوطی، ابن اثیر، و صاف شیرازی، رشیدالدین فضل‌الله، ابن خلدون در تاریخ‌نگاری تاریخ میانه ایران، بینش اجتماعی مشاهده می‌گردد، اما تحولات سیاسی و اجتماعی عصر جدید، باعث گردید توجه مورخان، بسیار بیشتر به سوی مردمان عادی تغییر یابد. چرا که تحولات عصر رنسانس و روشنگری و تحولات اجتماعی و سیاسی حاصل از آن از یک سو، و در ادامه‌ی رویدادهای پس از سقوط ناپلئون بناپارت و عهدنامه‌ی وین از سوی دیگر، اروپاییان را در مسائلی مانند ایجاد تحولات جدید در جامعه‌ی اروپا درگیر نمود و بدین سان محیط اجتماعی اروپا را به سمت راه حل‌های علمی و اجتماعی بر بنیاد انسان‌مداری (anthropocentrism) برد (نراقی، ۱۳۷۹: ۳۱)، و از سده‌ی هجدهم میلادی به بعد نگرش تحلیلی به رویدادها و توضیح علل تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تاکید بر نقش انسان در تاریخ، در دستور کار مورخان قرار گرفت (Breisach 1995: 153-170). ولتر از نخستین معترضان بر تاریخ‌نگاری سنتی است (کافی، ۱۳۹۳: ۲۷) وی، در کتاب عصر لوئی چهاردهم (۱۷۵۱ م) بیشتر به جنبش و فعالیت طبقه‌ی جدیدی به نام بورژوا توجه کرد و

اعتنای به تاریخ‌نگاری برای فاتحان را نقض نمود (نراقی، همان: ۲۶). همچنین، در نوشته‌های اندیشمندانی چون ویکو، مونتسکیو و انگلس بر اراده‌ی آدمیان در برآمدن تاریخ تأکید گردید (مجتهدی، ۱۳۸۰: ۱۶۱)، اگرچه در ابتدای امر، همواره بین مورخان و جامعه‌شناسان تضادهای فکری مهمی صورت می‌گرفت (ر.ک: پیترا، ۱۳۸۱: ۱۳ و ۱۴) اما در نهایت مورخان با فاصله‌گیری از تاریخ‌نویسی سیاسی به تاریخ‌نگاری اجتماعی نزدیک شدند، مثلاً کارل لامپرشت در آلمان قرن نوزدهم با فاصله‌گیری از تاریخ‌نویسی قدیم نظریه تاریخ جمع‌ی را مطرح کرد و بر این گفته تأکید داشت که تاریخ علم اجتماعی - روان‌شناختی است (همان: ۲۱) و یا مارک بلوخ با تاسیس مجله سالنامه تاریخ اقتصاد و جامعه، و در ادامه نیز تأثیر مورخان امریکایی و انگلیسی و روسی هرکدام به نوعی بر گسترش سیر تاریخ‌نگاری اجتماعی کوشا بودند، تا در نهایت تاریخ‌نگاری اجتماعی - تاریخ‌نگاری فرودستان^۱ - شکل گیرد، که آن را تاریخ توده‌ی مردم، یعنی مردم عادی و معمولی، می‌خوانند (stearans 1993:685).

در مجموع می‌توان گفت که تاریخ‌نگاری اجتماعی، در برابر تاریخ‌نگاری سنتی که در برخی موارد، سهم کم‌تری برای توده مردم در تاریخ قائل بود و آنان را فرمانبر، فرمانروایان می‌دانست، تفاوت دارد. به‌طور کلی، می‌توان اظهار نمود که تاریخ اجتماعی، تاریخی منهای حاکمیت، و با توجه به طبقات پایین جامعه، روابط میان انسان‌هاست (انوری، ۱۳۸۱: ۱۵۶۸) به بیان دیگر، شاکله‌ی تاریخ‌نگاری اجتماعی بر سه عنصر واقع است: نخست، رابطه‌ی مردم با مردم؛ دوم، رابطه‌ی مردم با حکومت؛ سوم، رابطه‌ی مردم با زیست بوم مادی و معنوی خود (موسی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۲) که در سه حوزه شامل نقش فرودستان در اعتراضات اجتماعی و حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، و در نهایت در پیوند شرایط اقتصادی جامعه با اجتماع مردم یک جامعه شکل می‌گیرد (رضوی و رهنما، ۱۳۹۶: ۶۸). در مجموع این نوع تاریخ‌نویسی به جای تأکید بر تاریخ فرد و سرزمین فرد، بر تاریخ نوشت چرایی بر آمدن جنبش‌ها و جریان‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد.

آنچه همزمان در تاریخ‌نگاری این دوره‌ی ایران رخ داد، تقریباً نمادی هرچند ابتدایی و نوظهور از این تعریف‌ها و اندیشه‌های جدید رخ داده در تاریخ‌نگاری اروپا است که در تاریخ‌نگاری جدید ایران خود را نمایان ساخت. میرزا فتحعلی آخوندزاده، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه و میرزا آقاخان کرمانی از تاریخ‌نگاران نو قلم در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری اجتماعی عصر قاجار هستند؛ به طوری که هر یک به نوعی تلاش کرده‌اند تا در این مسیر جدید صاحب‌قلم باشند. چنان‌که اعتمادالسلطنه (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۴۶) کار مورخ را

تاریخ اجتماعی در تاریخ‌نگاری عصر ... (غلامرضا وفایی مهر و محبوبه شرفی) ۳۱۹

تجارب و عبر و یفیظ و خبر فهم سبب و جهت ترقی و تنزل امم و ملل و صعود و سقوط ممالک و دول و وسایل حصول و مرام و نتایج سماجت و اقدام و مفاتیح آداب و رسوم و افتتاح و مناهج مسالک و احتراز از مساوی و ممالک و هزار چیز دیگر است

می‌داند.

اما شاید میرزا آقاخان کرمانی را بتوان مهم‌ترین مورخ در شکل‌گیری دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری اجتماعی دانست. وی کوشید برخلاف جریان تاریخ‌نگاری سنتی، بیشتر به تحولات و جریان‌های اجتماعی توجه نماید. میرزا آقاخان کرمانی در انتقاد از بی‌توجهی به تاریخ‌نگاری اجتماعی در میان مورخان ایرانی، بر آن است که

همه کس به خوبی می‌داند که تا کنون، یک تاریخ صحیح که احوال قومی را، به درستی بیان کند و آداب و اخلاق و اوضاع گذشتگان را در نظر انسان مجسم سازد و اسباب ترقی و تنزل اقوام را در اعصار مختلفه بیان نماید، در شرق، خاصه ایران دیده و نوشته نشده؛ بلکه تمام کتب ایشان پر است از انحرافات بی‌فایده و مبالغات بی‌مزه و تعلقات بیجا (کرمانی، ۱۳۹۵: ۱۵)

هم‌چنین، وی در جای دیگری، یکی از کارکردهای تاریخ را در شرح معیشت، ثروت و تجارت رعیت شرقی، انحطاط مدنیت در هر عصر و اسباب انقراض یک قوم و پیشرفت و ترقیات هر فرقه می‌داند (کرمانی، ۲۰۰۰: ۲۳۴) به طور کلی، در باب تاریخ‌نگاری میرزا آقاخان کرمانی باید وی را نماینده‌ی مخالف سنت‌های تاریخ‌نگاری و منتقد آن در ایران دانست، زیرا موضوع تاریخ را از واقع‌یابی و ثبت سرگذشت شهریان و جنگ‌ها فراتر برد و به تحولات اجتماعی و جریان‌های تاریخی سوق داد (آدمیت، ۱۳۴۶: ۱۴۳).

فضای سیاسی حاکم بر ایران پس از قتل ناصرالدین شاه و روی کار آمدن مظفرالدین شاه تا حدودی بازتر شد، به گونه‌ای که بر تاریخ‌نگاری مورخان آن عصر اثر گذاشت، چنان‌که عبدالحسین‌خان ملک‌المورخین در کتاب "مرآت‌الوقایع" با بیان مشکلات اجتماعی و اقتصادی آن روز ایران، به تحلیل تاریخ اجتماعی ایران عصر مظفرالدین شاه می‌پردازد (برای نمونه، ر.ک: ملک‌المورخین، ۱۳۶۸: ج ۲، ۴۰۹). در نهایت، انقلاب مشروطیت را می‌توان یکی از عوامل گرایش مورخانمانند ناظم‌الاسلام کرمانی به تحولات اجتماعی ایران دانست، چرا که مشروطیت از یک سو جایگاه و مقام ماورایی پادشاهان قاجار را تا حدودی تنزل داد و از سوی دیگر آنچه در انقلاب مشروطه رخ داد، حضور مستمر توده‌های مردم در جریان حوادث - بود

که - باعث گردید از آن زمان به بعد، مردم بازیگران و قهرمانان اصلی تاریخ معاصر ایران به‌شمار آیند.

۳. زیست‌بوم ناظم‌الاسلام کرمانی

میرزا محمد کرمانی فرزند علی مشهور به ناظم‌الاسلام کرمانی به سال ۱۲۸۰ هجری قمری در کرمان به دنیا آمد. او شاگرد میرزا آقاخان کرمانی و حاج شیخ جعفر کرمانی بود و در تهران از استادانی مانند میرابوالحسن طباطبایی (جلوه) و حاج میرزا آشتیانی، از رهبران نهضت توتون و تنباکو، و همچنین سید شهاب‌الدین شیرازی و حاج هادی نجم‌آبادی، (از مجتهدان معروف و از نزدیک‌ترین روحانیان ساکن ایران به سید جمال‌الدین اسدآبادی)، بهره برد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). ناظم‌الاسلام در ادامه‌ی مسیر تحصیل خود راهی عتبات گردید و نزد محمدحسن شیرازی و محمدحسین شهرستانی به تحصیل پرداخت و در بازگشت به ایران، به خدمت میرزا سید محمد طباطبایی در آمد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۴۷) که حاصل این آشنایی، معلمی و در نهایت مدیریت «مدرسه‌ی اسلام» است که سیدمحمد طباطبایی آن را تأسیس کرده بود. وی تا این مقطع نویسنده آثاری چون شمس‌التعاریف و خلاصه‌العوامل و مقامات حریری و علائم‌الظهور می باشد، آثاری که محتوای کلی آنان در باب صرف و نحو عربی و یا نشانه‌های ظهورامام (عج) است.

همزمان با آغاز انقلاب مشروطیت، ناظم‌الاسلام نیز به پیروی از طباطبایی، به فعالیت‌های انقلابی پرداخت، به گونه‌ای که در بحبوحه‌ی مبارزه‌ها و فعالیت‌های سیاسی، کار مدیریت مدرسه را رها نمود و به شرکت در انجمن‌های مخفی و فعالیت‌های روزنامه‌نگاری دست زد، که حاصل این تلاش‌ها تهیه‌ی گزارش از وقایع مشروطه و چاپ و نشر آنها در روزنامه‌ی کوکب‌دری، تحت عنوان «تاریخ بیداری ایرانیان» است که در نهایت منجر به نگارش کتاب تاریخ بیداری ایرانیان شد. اگر چه روند تحولات سیاسی ناشی از مشروطیت به مراد وی پیش نرفت و ناظم‌الاسلام را دوباره راهی دیار کرمان کرد و در آنجا به شغل قضاوت مشغول گردید؛ تا آن‌که، این مورخ نامی در سال ۱۳۳۷ هجری قمری در ۵۷ سالگی در شهر کرمان درگذشت.

۴. بینش و گفتمان اجتماعی ناظم‌الاسلام کرمانی

بهره‌گیری ناظم‌الاسلام از استادانی صورت گرفت که دارای اندیشه‌های نوگرایی و مشروطه‌خواهی بودند؛ به علاوه، حضور مستقیم ناظم‌الاسلام در تحولات مشروطیت به عنوان روزنامه‌نگار، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری دیدگاه اجتماعی این نویسنده است.

مطالعه و تحلیل محتوایی کتاب "تاریخ بیداری ایرانیان" نشان می‌دهد که ناظم‌الاسلام کتاب خود را از نهضت توتون و تنباکو آغاز کرده و کوشیده است با استفاده از تلگراف‌ها، نامه‌ها و توصیف‌هایی که به شناخت خواننده کمک می‌کنند، نهضت را شرح دهد. ناظم‌الاسلام به خوبی به توضیح و معرفی صاحب منصبان قاجاری، مانند امیرکبیر، سپهسالار و میرزا ملکم‌خان، و برخی چهره‌های سیاسی و فکری معروف پرداخته است. بحث اصلی کتاب وی، درباره‌ی تاریخ مشروطیت بوده و تلاش کرده است که آن را به بهترین شکل ممکن بیان نماید؛ چنان که آن را از آغاز شکل‌گیری واقعه‌ی مشروطیت، تا پایان حوادث فتح تهران، در قالب خاطره‌نگاری به‌تحریر درآورده است. از این رو، ویژگی‌های تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام کرمانی را برپایه گفتمان اجتماعی، می‌توان در چند حوزه به قرار زیر مورد توجه قرار داد:

نخست، اعتقاد ناظم‌الاسلام به نقش مردم در تحولات سیاسی و اجتماعی است. بی‌شک منظور مورخ از انتخاب واژه‌ی «ایرانیان» در عنوان کتاب خود مفهوم مردم به مثابه توده‌ی جامعه‌ی ایرانی است. چنان که بیان شد، او در نخستین مبحث تاریخ‌نگاری خود به شرح نهضت تاریخی توتون و تنباکو می‌پردازد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این نهضت، نقش مردم در لغو این قرارداد است و به نظر می‌رسد به همین دلیل ناظم‌الاسلام آن را در تاریخ خود ذکر کرده است. همو، درباره‌ی نقش مردم در جریان تبعید میرزای آشتیانی به دستور ناصرالدین شاه و واکنش مردم تهران در برابر شاه پرداخته و روایت می‌کند:

اهالی تهران از اعلی ادنی زن و مرد، سیاه و سفید، غریب و خودی، بومی و شهری، حر و مملوک، از صغیر و کبیر به هیجان آمد، زلزله در ارکان شهر افتاد و همه ناله‌کنان و فریادزنان و شریعت‌گویان به هر طرف در حرکت و دور خانه میرزا طوف کنان بودند و به فاصله یک ساعت تمام دکاکین و سراها بسته و تعطیل عمومی شد (همان جا: ۱۲)

به‌گونه‌ای این حرکت مردم، نویسنده را تحت تأثیر قرار داد، که وی «چون ابر بهاری گریان» می‌گردد (همان جا).

مورخ، در روایت واقعه‌ی خراب کردن قبرستانی در تهران برای ساختن بانک روسی، از قدرت مردم به عنوان قدرت قاهره خداوند یاد می‌کند و می‌نویسد: «قوة معنویة ملیه یک قوه قاهره خدائست که اگر به جنبش آید می‌تواند در یک ساعت یک لشکر جرار [بسیار زیاد] با یک سلطنت قهار را منقلب و معدوم نماید» (همان: ۲۶).

به نظر می‌رسد مورخ در تاریخ‌نگاری خود، کوشیده "نقش مردم" را بیش از سایر عناصر نشان دهد؛ مانند اعتراض‌های شهر شیراز علیه شعاع السلطنه (ر.ک: همان: ج ۲، ۳۳)؛ و یا نقش مردم مشهد در قیام سال ۱۳۲۴ هجری قمری در اعتراض به گرانی نان (همان: ج ۱: ۳۳۳)؛ و یا درباره‌ی قیام مردم تبریز در حمایت از مشروطیت (همان: ج ۳، ۵۳۰)؛ و حتی روایت حضور و واکنش مردم به عنوان تماشاچی در مذاکره‌ها و جلسه‌های مجلس مشروطه، نشان از اهمیت توده‌ی مردم در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از دید مورخ دارد. چنان‌که ناظم‌الاسلام در تلاش است تا حالت‌ها و هیجان‌های مردم و حتی گفته‌ها و نظرات آنان را در کتاب خود روایت کند؛ همان‌گونه که در جریان تحولات پس از اعطای فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه، روایت می‌کند: «مردم دعا و ثنای شاه، ورد زبان‌ها ساخته، آنچه لازمه تشکر بود به‌جا آوردند» (همان: ج ۳، ۵۱۲).

به نظر می‌رسد، مواجهه مستقیم مورخ با مردم و رویداد، باعث گردیده که در سراسر کتاب خود واژه‌ی «دیدم» و «شنیدم» را به کار ببرد.

دوم: توجه به زنان در تاریخ‌نوشت ناظم‌الاسلام کرمانی بر خلاف تاریخ‌نگاری سنتی ایرانیان که به شدت مردانه است و کمتر از نقش و جایگاه زنان در تحولات مهم سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران ذکری به میان آمده از سوی دیگر، شرایط اجتماعی زنان در عصر قاجار موجب شده بود که آنان هیچ‌گونه ارتباطی با خارج از محیط خانواده نداشته و مطلقاً مطیع اوامر شوهران خود باشند (شمیم، ۱۳۷۴: ۳۷۰)، اما چنین به نظر می‌رسد که در جریان مشروطیت، تحولات اجتماعی حاصل از مرادده‌های ایرانیان با تمدن مغرب زمین به مرور دیدگاه سنتی را، دست‌کم در بین روشنفکران جامعه، تغییر داد، به گونه‌ایی که نویسندگانی مانند آخوندزاده درباب نقش و جایگاه اجتماعی زنان معتقد به آزادی زن و لغو تعدد زوجات و ایجاد مساوات میان مرد و زن در تمامی حقوق اجتماعی و تعلیم و تربیت و آزادی حجاب است (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۴۳-۱۴۴). ناظم‌الاسلام نیز به تاسی از اندیشه‌های روشنفکرانی مانند آخوندزاده، در تاریخ‌نگاری خود به نقش زنان توجه کرده و کوشیده است تا به نقش آنان در حوادث جامعه پردازد؛ او نقش زنان را در تحولات نهضت توتون و تنباکو، یا نقش پررنگ آنان را در

تاریخ اجتماعی در تاریخ‌نگاری عصر ... (غلامرضا وفایی مهر و محبوبه شرفی) ۳۲۳

انقلاب مشروطه روایت می‌کند. چنان که در جریان نهضت توتون و تنباکو به نقش زنان و مردان در اعتراض‌های ایشان در کنار یکدیگر پرداخته، تا آنجا که واکنش و اعتراض زنان حرم‌سرای ناصرالدین شاه را نیز روایت می‌کند "[...] زن‌ها اطراف کالسکه سلطنتی را گرفته و به فریاد بلند به گریه و زاری پرداختند" (ناظم الاسلام، همان: ج ۱، ۳۰۰).

لازم به ذکر است که مورخ، نه تنها از نقش زنان تهران در تحولات اجتماعی، بلکه از زنان دیگر شهرهای ایران سخن می‌گوید، مانند نقش زنان کرمان در اختلاف‌ها و درگیرهای آن شهر (همان: ج ۱، ۲۴۷-۲۴۸) و یا نامه‌ی تبریک غزی دختر سید مهدی خان، رئیس ایل سکوند، به مدیر مجله الاسلام پس از شکست محمدعلی شاه (همان: ج ۲، ۳۰۶) و موارد متعدد دیگر، نشان از کوشش مورخ در بازتاب نقش و جایگاه زنان در تحولات سیاسی و اجتماعی، در تاریخ‌نگاری خود دارد.

سوم: توجه به فرهنگ عمومی و عامیانه‌ی مردم و تأثیر آنان در تحولات سیاسی و اجتماعی مشروطه، یکی دیگر از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری مورخ است. ناظم الاسلام در خصوص چرایی تحصن مردم در سفارت انگلستان، بر این عقیده است که این رفتار مشروطه‌خواهان از پیشینه‌ی فرهنگی تحصن مردم در خانه‌های بزرگان و مکان‌های مقدس و همچنین از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه در اصطبل‌های شاهی و شاهزادگان و یا سفارتخانه‌های خارجی نشأت گرفته است (همان: ج ۳، ۴۲۹-۴۳۰).

همو کوشیده است، به توضیح و تعریف واژه‌هایی مانند چهل منبر، که پیاده‌روی مردمان در ایام محرم در کوچه و بازار و روشن کردن شمع در پای منبرها بوده است (همان، ج ۵، ۲۸۶) نیز به روایت اقدامات مردم در جشن نیمه‌ی شعبان (همان جا: ۵۴۸) و یا دیگر مراسم مذهبی پردازد. جالب آن که او برخی از فکرهای خرافی رایج در جامعه را نیز در تاریخ خود روایت کرده است، مثلاً درباب اعتقاد مردم به نحسی عدد سیزده می‌نویسد "در جریان ضرب و شتم آقای بهبهانی توسط عده‌ای که تعداد آنان سیزده نفر بود، به دلیل نحسی عدد سیزده، عین‌الدوله چهارده نفر را دستگیر کرد" (همان: ج ۱، ۳۴) یا در جای دیگری، مورخ به ذکر عید عمرسعد [قاتل امام حسین (ع)] در نهم ربیع‌الاول هر سال و حرکت‌های که وی آن را حرکت جاهلان در آن مراسم می‌نامد، اشاره می‌کند (همان: ج ۵، ۳۴۸)، و یا روایت می‌کند:

چهارشنبه آخر صفر و آخر سال است، که زنها و مردان ساده که بخت بسته می‌باشند، برای گشادگی بخت و روی آوری اقبال و بر طرف شدن کسالت و نکبت، باید در سه شنبه مزبور از زیر نقاره و زیر توپ مروارید بگذرند [اسه چهار نفر توپچی به امر امیر توپخانه،

آنجا حاضر می شوند، هرکس می خواهد از زیر توپ بگذرد، باید نیازی به اینها بدهد، از یک شاهی گرفته تا یک تومان [...] اگر مرد بخت بسته نظرش به زن خوشگلی افتد و یا زنی بخت بسته نگاهش به جوانی مطبوع [موردپسند] افتد، این را فال و تفال می گیرند بر گشادگی و مساعدت اقبال (همان جا: ۳۲۷).

چهارم: مساله مهم دیگر در بینش اجتماعی مورخ، توجه او به ارتباط اجتماعی و سیاسی تنگاتنگی است که میان علما و مردم در جامعه‌ی آن روز ایران وجود داشته است؛ مانند رفتن مردم به خانه‌ی علما در عیدها و رسم های مذهبی و یا چنان که در پیش نیز اشاره شد، روایت واکنش مردم است به تبعید میرزای شیرازی در جریان نهضت توتون و تنباکو (همان: ج ۱، ۲۵۳) و یا روایت واقعه‌ی ورود حاج میرزا محمد رضا به مشهد، که به روایت ناظم الاسلام «در ورود به مشهد مردم آنجا معنی دینداری و عالم دوستی را آشکار و تا طرق استقبال نمودند...» (همان جا: ۲۳۹) که جدای از بینش مذهبی مورخ در گرایش به علما، نمونه ای عیان از ارادت مردم به علما و روحانیت و از دلایل عمده‌ی گرایش توده‌ی عوام به علما در جریان تحولات و مبارزات مشروطه‌ی مردم ایران به شمار می آید.

پنجم: توجه به واژه‌ی «ملت» و استفاده از آن در روایت حوادث، از دیگر ویژگی‌های تاریخ‌نگاری ناظم الاسلام است. وی درباره‌ی اختلاف محمدعلی شاه و مردم روایت می کند: «خداوند خودش سببی سازد که این اختلاف از بین برداشته شود و میان دولت و ملت اتحاد حاصل و پدید گردد» (همان: ج ۴، ۲۷۰) و یا در جای دیگر بر آن است که «علاج واحد دردهای بی درمان مسلمانان در اتحاد بین دولت و ملت است» (همان: ج ۵، ۴۱۰).

ششم: ناظم الاسلام علاوه بر بیان ویژگی های مردم جامعه‌ی خود، نگاهی انتقادی به چرایی عدم موفقیت و پیشرفت جامعه دارد، به گونه‌ای که در تحلیل مسائل و مشکلات پیش روی جامعه‌ی ایران، مخصوصاً در جریان انقلاب مشروطه، عامل اصلی را روی گردانی مردم از مشروطیت و عدم حمایت از آن می داند. همو مردم ایران، خاصه مردم تهران را همانند مردم کوفه و شام می داند که ثبات لازم را ندارند. (همان: ج ۴، ۱۶۸)؛ و یا در جای دیگری می نویسد، مردم پس از واقعه‌ی به توپ بستن مجلس به دستور محمدعلی شاه، تغییر عقیده داده و به بدی از مجلس یاد می کرده اند (همان: ج ۲، ۱۶۱).

هفتم: توجه به اقتصاد و بازار و به طور کلی معیشت جامعه و ارتباط دادن آن با تحولات اجتماعی و سیاسی زمانه، یکی دیگر از مولفه های بینش اجتماعی مورخ است؛ چرا که در رویکرد اجتماعی مورخ، در کنار نقش سلطان و عوامل او در جامعه، مردم و وضعیت آنان

اهمیت می‌یابد و دامنه‌ی توجه مورخان از تاریخ سیاسی و نظامی فراتر می‌رود و تاریخ اجتماعی و اقتصادی جامعه را در برمی‌گیرد (شرفی، ۱۳۹۲: ۱۸۹). براساس این تعریف، به‌نظر می‌رسد که ناظم الاسلام بر آن است که در تاریخ‌نگاری خود، با توجه به اقتصاد و بازار و پیوند تحولات آن با اوضاع سیاسی جامعه در تاریخ خود به تحلیل بهتر حوادث بپردازد. مثلاً تعطیلی گاه به گاه بازار را در جریان رویدادها و جریان های سیاسی جامعه، یکی از نکته‌هایی است که ناظم الاسلام در تاریخ خود به آن پرداخته است؛ مانند تعطیلی بازار اصفهان در مخالفت با ظل السلطان (ناظم الاسلام کرمانی، همان: ۱۵۱)، و یا تعطیلی پیوسته‌ی بازار در جریان اعتراض های محرم ۱۳۲۷ هجری قمری (همان: ۲۹۶-۳۰۰) و به طور کلی، ارتباط میان تعطیلی بازار با تحولات سیاسی جامعه، در تاریخ‌نگاری ناظم الاسلام نمایان است.

هم‌چنین در ادامه همین بینش نویسنده، گزارش مورخ از گرانی کالاهای خوراکی، مخصوصاً نان و در برخی از مواقع گوشت به عنوان قوت غالب جامعه‌ی زمانه‌ی مورخ، نیز یکی دیگر از ویژگی های تاریخ‌نگاری وی است «نان هم امروز گران شده است. تابه امروز یک من تبریزهفتصد دینار بود و از امروز یک من چهار عباسی» است (همان جا: ۳۰۶)؛ و یا درباب قیمت ها در جریان تحولات پس از به توپ بستن مجلس، می‌نویسد:

اجناس طهران این ایام، ارزان است، دیگر نمی‌دانم از کم پولی است و یا سبب دیگر دارد. نان یک من تبریزهفتصد دینار، گوشت یک من شش هزار است، هیزم خرواری پانزده هزار الی دوتومان است، قند یک من پنجهزار، تریاک مثقالی ده‌شاهی می‌فروشند، سبب گرانی تریاک ناامنی راه و نیاوردن از یزد و تبریز است (همان جا: ۳۲۴)

و موارد دیگری که در تاریخ‌نگاری مورخ مشهود است؛ و یا توجه به بحران های اقتصادی و بی‌پولی، یکی از شاخصه‌هایی است که مورخ بدان اشاره و در مجموع به خواننده در شناخت بهتر چرایی سیر تحولات مشروطیت کمک شایان می‌کند: «وضع طهران خیلی خراب است. مردم گرفتار به خود هستند، پول کمیاب است، احدی یک شاهی به قرض نمی‌دهد» (همان جا: ۳۲۳) هم‌چنین، ناظم الاسلام در کتاب خود به برخی ساختارهای آن روز ایران، مانند گمرک و کارکرد اقتصادی آن، و یا برخی انواع مالیات ها در آن دوره می‌پردازد؛ مانند «مالیات پول خری» که در تعریف، آن را مالیاتی می‌داند که از صاحب خر یا گاو می‌گرفتند. در باب برخورد مأموران در صورت ناتوانی مالی صاحب چهار پا، به قدری چهار پادار را شلاق می‌زدند تا کسی پیدا شود و مالیات وی را پرداخت کند (ر.ک: همان: ج ۲،

(۲۳۳) یا در اخذ مالیات از خانواده تا آنجا پیش می رفتند که طفل را به جای مالیات می بردند (همان: ۲۳۴).

به طور کلی در تحلیل این بینش مورخ، می توان گفت، به نظر می رسد که او بنا ندارد که به اقتصاد آن دوران به طور خاص بپردازد، بلکه در تلاش است با بیان مواردی چون تعطیلی بازارها به هنگام بحران های سیاسی یا اجتماعی و یا بیان قیمت کالاها و یا حتی شیوهی برخورد مأموران مالیاتی با مردم، به نهاد مردم توجه داشته و به تحلیل بهتر اوضاع و شرایط جامعه برای خوانندگان کتاب خود بپردازد.

مورخ علت کلی عقب ماندگی جامعه ی آن روز ایران را، در عدم گرایش به علم طلبی و عقل گرایی می داند و می نویسد: «جهالت مردم و عدم علم آنها مانع ترقی جامعه است.» (همان: ج ۴، ۱۶۸). او با تأثیرپذیری از همفکران خود، با استفاده چند باره از واژه ملت، از قول طباطبایی، روایت می کند: «باید سعی کنیم ملت، عالم و تحصیل کرده شوند، چه پس آن که عموم ملت عالم شوند، آن وقت حقوق ملی خود را می دانند» (همان: ج ۱، ۸۰). در تحلیل گفتمان ناظم الاسلام می توان اظهار نمود که وی در اندیشه ی تاریخی خویش بر آن است که تکامل و تحول در جامعه، از مرحله ای به مرحله ی دیگر (نوگرایی، تجدید یا مدرن شدن جامعه) در حال انجام است. در این اندیشه، قانون های حاکم بر مسیر و راستای تحولات و تکامل جامعه است که انسان را در این جامعه از دوره ای به دوره ی دیگر ارتقاء می دهد. (کریمی، ۱۳۶۰: ۱۵).

بر اساس این تفکر، مورخ مسیر حرکت جامعه را روبه جلو و پیش رونده می داند، و عامل و انگیزه ی این حرکت را، نه مشیت الهی و امور غیبی، و نه شاهان یا حاکمان، بلکه توده ی مردم آن جامعه به شمار می آورد که از مرحله ای به مرحله ی دیگر زاده می شود و در خود جوانه های مرحله بعدی را به نحو اجتناب ناپذیر می پروراند (پولارد، ۱۳۵۴: ۳۶) و در تطابق این اندیشه با دیدگاه تاریخ نگری اجتماعی ناظم الاسلام، او علم و عقل گرایی مردم جامعه را مهم ترین عامل پیشرفت جامعه تلقی می کند.

بر پایه آنچه گفته شد، در تحلیل انتقادی بینش اجتماعی ناظم الاسلام می توان گفت که اگرچه مورخ توده ی مردم جامعه را عامل اصلی تعیین سرنوشت یک سرزمین می داند و در جریان اثرگذاری مسائل و تحولات گذشته بر مشروطیت برکجروی های مردم معترض است، اما با مطالعه تاریخ مشروطیت می توان برای این روی گردانی مردم از مشروطیت، علت هایی را برمی شمرد که از جمله آنها، عدم تأمین نیازهای اقتصادی توده های نیازمند و فقیر جامعه

تاریخ اجتماعی در تاریخ‌نگاری عصر ... (غلامرضا وفایی مهر و محبوبه شرفی) ۳۲۷

از یک سو (ر.ک: آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۴۳) و دوگانگی و عدم ثبات سیاسی مردم در راه مشروطیت، همچنین خیانت و کیلان و ناطقان، و رشوه گرفتن رؤسا و جرایدنگارانی می‌دانند که با عدول از وظایف اصلی خود، باعث رنجش مردم و در نهایت رویگردانی آنان از مشروطیت و خوشحالی آنان از به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه شدند (ر.ک: ناظم‌الاسلام کرمانی، همان: ج ۴، ۳۶۳) به علاوه‌ی ایجاد نامنی گسترده‌ای که پس از مشروطه، کشور را فرا گرفت. چنان که می‌نویسد: «مسموع گردید در یابیگی حاکم بوشهر را که می‌آمده است طهران در قصر کوشک یک منزلی قم دزد زده و یکی از آدم‌های ایشان [را] کشته و اسباب و مال ایشان را به غارت برده اند» (همان: ج ۴، ۲۳۹) و یا روایت می‌کند: «...» در رشت طالشی‌ها وارد شده‌اند و دارالحکومه را متصرف شده‌اند» (همان: ۲۶۳).

در مجموع ناظم‌الاسلام با بیان تاریخ سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ایران عصر قاجار در تلاش است تا تحولات جامعه را در حوزه‌های مختلف و از نگاه و زاویه دید توده‌ی عوام زمانه خود بازتاب دهد. به گونه‌ای که مورخ در تلاش است تا با بیان حضور و واکنش مردم در جریان‌های سیاسی و یاحتی واکنش‌های احساسی مردم در سخنرانی‌ها و اجتماعات سیاسی و دیگر وضع اقتصادی جامعه و همچنین توصیف برخی آداب و رسوم و خلیقات جامعه‌ی زیست‌مورخ، آئینه‌ی تمام‌نمایی از ایران آن روز را به نمایش بگذارد و این که ما را به این اندیشه، نزدیک نماید که حیات اجتماعی انسان‌ها در هر عصری کلیت به هم پیوسته‌ای است که وجوه مختلف ساختاری آن، هم‌زمان و در ارتباط متقابل با دیگر وجوه معنا پیدا می‌کند (رضوی و رهنما، همان: ۱۲) که در اندیشه ناظم‌الاسلام کرمانی مجموعه این ساختارها منجر به انقلاب مشروطه گردیده است.

۵. نتیجه‌گیری

توجه به تاریخ‌نگاری اجتماعی، دیدگاهی است که پس از تحولات فکری رنسانس و انقلاب کبیر فرانسه و در ارتقای تاریخ‌نگاری سنتی که بیشتر در راستای تاریخ سیاست، حاکمان و فرمانروایان بود، تقویت شد. در این میان مورخان نوگرا تلاش نمودند تا با نزدیکی به دیگر علوم مانند علوم اجتماعی و فاصله گرفتن از تاریخ نویسی روایی و فردمحورانه که پیش‌تر به تاریخ سیاسی شاهان می‌پرداخت خود را به توده‌ی عوام جامعه نزدیک نمایند. در این میان وجه غالب در تاریخ‌نگاری اجتماعی را می‌توان تاریخ مردم دانست که شاکله اصلی تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه را تشکیل می‌دادند.

در پی تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران عصر قاجار، تاریخ‌نگاری با مورخان عصر ناصری، از جمله آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی و اعتماد السلطنه، متحول گردید که نخستین آن در کتاب "تاریخ بیداری ایرانیان" نوشته‌ی ناظم‌الاسلام کرمانی نمود بیشتری یافت. از این روی در این مقاله، تلاش گردید تا مهم‌ترین ویژگی‌ها و مولفه‌های تاریخ‌نگاری اجتماعی وی را در چند حوزه نمایان سازد: توجه وی به نقش توده‌ی مردم که از نهضت توتون و تنباکو آغاز شد و در دیگر تحولات سیاسی و اجتماعی این دوران خود را نمایان ساخت، مهم‌ترین مولفه در بینش اجتماعی ناظم‌الاسلام است. همچنین توجه به جایگاه زنان و اهمیت دادن او به نقش زنان در تحولات سیاسی و اجتماعی عصر مورخ بی شک به تاسی از اندیشه نوگرایان و مشروطه خواهانی است که مورخ در کنار آنان تلمذ کرده و یا آثار آنان را فراگرفته بود.

تبیین پاره‌ای از اندیشه‌های فرهنگی مردم عصر قاجار و تاثیر آن در شکل‌گیری برخی تحولات عصر مشروطیت یکی دیگر از مولفه‌های اجتماعی در بینش اجتماعی مورخ است. دیگر توجه به واژه "ملت" در بیان ارتباط توده مردم با حاکمان قاجار قابل توجه است. نکته مهم دیگر نقش بازار و حتی قیمت محصولات مهم غذایی و در کل اقتصاد جامعه در تحولات سیاسی - اجتماعی آن روز ایران، یکی از مسائلی است که مورخ بیشترین تاکید را در تاریخ‌نگاری خود به آن دارد.

در کل توجه مورخ به توده‌ی مردم به گونه‌ای است که در اندیشه تاریخ‌نگری خود آنان را موتور محرکه‌ی تحولات جامعه برمی‌شمارد. به گونه‌ای که ناکامی‌ها و علت‌العلل عقب‌ماندگی آن روز ایران را در جهل و بی‌توجهی به علم‌گرایی مردم جامعه می‌داند، چرا که در اندیشه‌ی ناظم‌الاسلام مردم در مقام صاحبان حق و مالکان اصلی کشور تلقی می‌شوند که سرنوشت جامعه را رقم می‌زنند. در مجموع بر آن است تا با بیان نقش مردم در تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن روز جامعه‌ی ایران، تاریخ خود را از زاویه و اندیشه توده عوام روایت نماید، به نظر می‌رسد اندیشه مورخ بر این امر استوار است که مجموعه این عوامل مهم و به هم پیوسته، در جامعه ایران عصر قاجاری، باعث واقعه‌ی مهمی مانند مشروطیت و تحولات بعد از آن شده است.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۶). *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، شیرازی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۶). *اندیشه‌های میرزا آقا خان کرمانی*، تهران، طهوری.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹). *اندیشه‌های میرزا فتحعلی خان آخوندزاده*، تهران، خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۴۵). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۳، تهران، سخن.
- برک، پیتز (۱۳۸۱). *تاریخ و نظریه اجتماعی، غلامرضا جمشیدیها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران*.
- پولارد، سیدنی (۱۳۵۴). *اندیشه ترقی و تاریخ جامعه*، ترجمه حسین اسدپور پیرانفر، تهران، امیرکبیر.
- رضوی، ابوالفضل و شهرام رهنما (۱۳۹۶). «چیستی، خاستگاه و علل برآمدن تاریخ اجتماعی»، *فصلنامه علمی*.
- پژوهشی تاریخ اسلام، س ۱۸، ش مسلسل ۶۹، ش ۱، ص ۵۶ - ۸۵.
- شرفی، محبوبه (۱۳۹۲). *زندگی، زمانه و تاریخ‌نگاری و صاف شیرازی*، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۶). *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، افکار.
- کافی، محمد (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی تاریخی (مبانی، مفاهیم و نظریه‌ها)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کرمانی، میرزا آقاخان (۱۳۹۵). *آئینه اسکندری*، تهران، دنیای کتاب.
- کرمانی، میرزا آقاخان (۲۰۰۰ م). *سه مکتوب*، به کوشش بهرام چوبینه، اسن (آلمان)، نیما.
- کریمی، حسین (۱۳۶۰). *فلسفه نظری تاریخ*، تهران، گروه جهاد دانشگاهی.
- مجتهدی، کریم (۱۳۸۰). *فلسفه تاریخ*، تهران، سروش.
- مدرس چهاردهی، مرتضی (۱۳۸۱). *سید جمال‌الدین اسدآبادی و اندیشه‌های او*، تهران، امیرکبیر.
- ملک‌المورخین، غلامحسین (۱۳۸۶). *مرآت الوقایع مظفری*، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۲، تهران، میراث مکتوب.
- موسی پور، ابراهیم (پاییز و زمستان ۱۳۸۶). «تاریخ اجتماعی: رویکردهای نوین به مطالعات تاریخی». *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، دوره ۳، ش ۲، ش ۶، ص ۱۴۱ - ۱۵۵.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد (۱۳۸۷). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۱ - ۳، تهران، امیرکبیر.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد (۱۳۵۷). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۴ - ۵، تهران، امیرکبیر.

۳۳۰ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

نراقی، احسان (۱۳۷۹). علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن، تهران، فروزان.

هچ، جن (۱۳۹۰). ((تاریخ اجتماعی))، حسن زندیه. فصلنامه تاریخ اسلام، س ۱۲، ش اول و دوم، مسلسل ۴۶-
۴۵، ص ۱۶۱-۱۸۲

Breisach, Ernst, (1995). Historyiography: Ancient, Medieval and Modern. university of chcago
press. CHCAGO

Stearns, Peter N, (1993). Encyclopa of Social History. Routledge. NEY YORK